

صدرالدین فخری،

۱۷- مارچ ۲۰۰۹م.

رفقای گرانقدر، هیئت رهبری، اعضای نهضت آینده افغانستان و هموطنان عزیز!

نخست می‌خواهم، من حیث یک فرد افغان و یکی از رهروان سابقه دار جنبش دموکراتیک کشور که فعلاً به کدام نهاد سیاسی- اجتماعی پیوند تشکیلاتی ندارم، دستاورد بزرگ و تاریخی شما را در امر تدویر موفقانه کنفرانس سراسری نهضت آینده افغانستان و تصویب مرامنامه و اساسنامه علماً تنظیم شده بی را که با شرایط کنونی جامعه افغانی، منطقه و جهان مطابقت دارد، از صمیم قلب تبریک عرض نمایم.

سعادت و پیروزیهای هرچه بیشترتان را در مبارزات پیگیر و عادلانه تان جهت بسیج و نزدیک شدن نیروهای چپ، مترقی و دموکراتیک در یک جبهه متحد به خاطر رهایی زحمتکشان و توده های رنج دیده کشور از ظلم و استبداد قرون وسطایی و بیعدالتی، خواهانم.

از این که شماره ۳۳ نشریه وزین آینده، ارگان مرکزی نهضت آینده افغانستان، که در آن طرح مرامنامه و اساسنامه نهضت آینده افغانستان، به طور مفصل به چاپ رسیده بود و در همین اواخر در دسترس من قرار گرفت و کمی دیرتر نظر خود را در این مورد ابراز میدارم، معذرت مرا بپذیرید.

البته با علاقه مندی که داشتم، با دقت کامل مواد مرامنامه تصویب شده را مطالعه نمودم. تصویب این سند مهم و با ارزش را یک گام ارزنده و اساسی در راه نوسازی جنبش چپ دموکراتیک کشور میدانم. زیرا، اهداف و وظایفی که در این مرام ذکر گردیده، روشهای جدید و علمی را در برابر نیروهای چپ و مترقی جهت نزدیک شدن و همسویی پیکارشان در یک جبهه متحد قرار میدهد.

باید خاطرنشان ساخت، که اوضاع سیاسی و نظامی جهان و به ویژه منطقه و کشور عزیزما افغانستان بنابر سیاستهای توسعه طلبانه "نیوآمپریالیزم" ایالات متحده آمریکا و متحدان غربی آن زیرنام توسعه دموکراسی و مبارزه علیه تروریسم، روز تا روز ابعاد پیچیده تر به خود گرفته، صلح جهانی و منطقه یی را به خطر مواجه ساخته و به ویژه کشور عزیزما افغانستان و مردم رنج دیده آن هرچه اولتر در معرض این خطر قرار دارند و همه روزه در این راه قربانی میدهند.

دولتهای غربی، به ویژه آمریکا و بریتانیا با پیگیری سیاستهای ناسالم و تجاوزگرانه خویش کشورما را به مرکز تروریسم بین المللی و منبع تولید موادمخدر مبدل نموده اند.

سیاست استبدادی نیروهای واپسگرای قرون وسطایی در همهء بخشهای زنده گی، به خصوص در عرصه های مطبوعات و آزادی بیان، جابه جا کردن مهره های کلیدی بنیادگرایان و طالبانی ساختن دوبارهء کشور، رو به افزایش است.

سازشها و بافتهای قومی و تباری و نصب کردن نیروهای عقبگرا در دولت موجود، وضع را بحرانی تر میسازد.

ترور و خشونت علیه زنان و نسل جوان و بالندهء کشور، به ویژه ژورنالیستان، بیداد میکند.

تنشها میان قوای سه گانهء دولت (مقننه، قضاییه و اجراییه)، که هر سه در اختیار بنیادگران مذهبی و معامله گران غربزده قرار دارند، به ویژه در روزهای اخیر، بنابر نزدیکی دور جدید انتخابات برای پست ریاست جمهوری، وضع را متشنج تر و بحرانی تر میسازد.

بادر نظر داشت این همه حقایق تلخ کنونی، وظایف عمدهء تاریخی در برابر تمام عناصر آگاه، مترقی و عدالتخواه که قلب شان برای وطن و مردم شان میتپد، قرار دارد، که در امر تدویر مجمع نیروهای چپ، دموکراتیک، مترقی و صلحخواه کشور به صورت خسته گی ناپذیر بکوشند و از امراض گوناگون ایدیالوژی گرایی، شخصیت پرستی (کیش شخصیت)، محورگرایی، گرایشهای قومی، تباری، لسانی و منطقه یی پرهیزند و با یک آرمان مقدس جهت ایجاد یک نظام عادلانه، انسانی و دموکراتیک به خاطر پایان دادن رنجهای بیکران مردم ستمدیدهء کشور عزیزمان برزمیم.

**پرچم برافراشتهء ترقی و عدالت را که نهضت آیندهء افغانستان بلند
نموده، برافراشته نگهداریم و متحدانه در راه تطبیق اهداف مرامی نهضت
آیندهء افغانستان به پیش برویم.**

**به امید تدویر پیروزمندانء مجمع نیروهای چپ، دموکراتیک، مترقی و
صلحخواه کشور!**

www.ayenda.org